

«دایان» روایتی از جنگ که به داستان بدل نمی شود؛

آن مرد هیچ ندارد

«دایان» داستان خانواده جنگ‌زده‌ای است که در مسیر فرار از جنگ گرفتار باند قاچاق اعضای بدن می شوند. پدر گرفتار فریب دلالت اعضای بدن می شود و هر دو فرزندش را در مقابل پول می فروشد، تا کلیه‌های شان را از بدن شان جدا کرده و به کشورهای اروپایی بفروشند. این پدر دو فرزند معلول دختر و پسر دارد. پسرش یک شب قاطری را که نزد پدر امانت است می برد تا کولبری کند. اما وارد میدان مین می شود، صاحب قاطر و اجناس پیش پدر می آیند و خسارت می خواهند و همه این داستان واره‌ها جمع می شوند تا فیلمساز حرفش را بزند. اما چیدمان روایت منطق در اما تیک ندارد. فرزند آن با پدر همدلی و هم‌زبانی ندارد. آدم‌های روایت سیاه‌اند. همه در حال تجارت ز دو بندگان. فقر و فلاکت آن‌ها را مچاله و آسیب پذیر کرده است.

در این قالب فرومی افتد. «دایان» درباره جنگ و تاثیر فاجعه‌بار آن در زندگی مردم است. روایت مردمانی بی‌سرزمین. اگر درباره دایان، به مستند اشاره می کنیم از آن جهت است که نورانی پور جوان، سابقه ساخت چندین فیلم مستند دارد، و همین باعث می شود بگویم فیلم او قصه یک دستی ندارد، شخصیت پردازی ندارد، و آدم‌هایش را هاشده‌اند.

درام، گمشده دایان

فیلم سینمایی به ساختاری دراماتیک نیاز دارد، یعنی باید شخصیت‌ها، در دو غم و شادی و هر حس دیگری را که احساس می کنند بتوانند انتقال بدهند و این انتقال زمانی اتفاق می افتد که هم نویسنده از پس داستانش خوب برآمده باشد و هم کارگردان این حس آمیزی را در بازگرانش ایجاد کرده باشد. اما در «دایان» برای مثال شخصیت پدر، آن پدر کاربزماتیکی نیست که ما معمولاً از پدر و حامی خانواده انتظار داریم و فیلم می خواهد روایتگر آن باشد.

فیلم اطلاعاتی درباره پدر به تماشاگران می دهد؛ او قبلاً مبارز بوده و تفکرات سیاسی خاصی داشته و سابقه مبارزاتی. در راه آهن کار می کرده و سرد و گرم روزگار را چشیده است، اما چرا چنین آدمی حالا در این وضعیت این همه ناتوان مستأصل است و نمی تواند تصمیم بگیرد؟ چرا خیلی زود از تک و تامی افتد و دچار سرخوردگی می شود؟

دایان شخصیت ندارد

آنچه فیلم را سرپایه می دارد، روایت درست و شخصیت پردازی آن است. اما دایان چنین شاخصه‌هایی ندارد. تصنع به روایت به فیلم آسیب زده است. روایتی در حال و هوای چنین فیلمی باید برای مخاطب باور پذیر باشد تا بتواند با اتفاقات رویدادها و آدم‌های فیلم ارتباط برقرار کند. زبان چنین سینمایی سرگرمی نیست، اندیشه ورزانه است؛ حکایت یک قوم ولتی است که ستمی بر



آذر فخری

فیلم: دایان

نویسنده و کارگردان: بهروز نورانی پور

بازیگران: ناصر بابائیان، عبدالله زواره، بهار معروفی

این یک حقیقت تلخ و جهانشمول است که هر گاه جنگ به شهر و خانه مردمان می آید و معمولاً هم آن‌ها را غافلگیر می کند، مردم در نهایت تلخکمی و اندوه‌خانه و شهر را می گذارند و می روند؛ خانه و شهری را که سال‌های سال به امنیت و توالی زمانی و تکرارهای خوب و بد آن، عادت کرده‌اند. اما جنگ، آن بدی و شری است که با وجود تکرار در طول قرن‌ها حضور آدمی روی زمین هرگز «عدالت» و هرگز «تکراری» نمی شود و چنین است که مردم و جنگ و به ناچار البته همیشه این مردمان هستند که باید اقلیم و دیار خود را ترک

کنند و سرگردان شوند. «دایان» روایت همین سرگردانی است. جنگ می آید با خود ویرانی و ناامنی می آورد و آن‌ها که دیگر خانهای ندارند، راه مهاجرت در پیش می گیرند بی آن که از راهی که قدم در آن نهاده‌اند، مطمئن باشند، بی آن که امیدی به رسیدن و پناه یافتن و احساس امنیت داشته باشند. جنگ بجز مرگ و بی خانمانی، احساس خاص و غیر قابل توصیف «از دست رفتگی» را هم در انسان به وجود می آورد. احساسی که اغلب ما با آن آشنا نیستیم، اما نمی توانیم در باره‌اش، آن چنان که باید واضح و شفاف حرف بزنیم. «دایان» می خواهد تصویر این حس باشد؛ اما چگونه می توان از چنین حسی که نمی شود درباره آن نوشت، تصویری ساخت و به تماشاگران نشان داد. شاید اگر تار کوفسکی این موضوع را دستمایه کار خود قرار می داد، می شد چند جرعه‌ای از این حس را انتقال داد، تار کوفسکی با آن نماهای ثابت از مناظر و انسان‌هایی که در سکوت و تماشاگر اندوهگین خود، می خواهند با تماشاگر

یادداشت

نگاهی به فیلم «جن زیبا»

هر آنچه لازم است درباره جنون آنی بدانید

فائزه ناصح، دکترای روانشناسی عمومی

فیلم سینمایی «جن زیبا» به کارگردانی بایرام فضلی با بازی نور گل یشلیچای و فرهاد اصلانی نیز از موضوع «اختلال جنون» و ام گرفته است. داستان فیلم با برخورداری از ژانری اجتماعی و گاهی کمدی درباره دو کاراکتر بانام‌های «یدالله» و «دلارام» است. شخصیت مرد داستان «یدالله» یکسال از زمان فوت همسرش می گذرد و به دلیل گذراندن دورانی سرشار از غم و ناراحتی به اختلالات روحی و روانی مبتلا شده که برای درمان و بهبود نیز مدتی را در آسایشگاه روانی بستری بوده است. اما اکنون بعد از گذشت یکسال از بیمارستان مرخص شده و در نقش نفاقتچی همان آسایشگاه مشغول به کار است. از سویی دیگر «دلارام» شخصیت زن داستان نیز بنابر تجربیات تلخی که پشت سر گذاشته است به دلیل جنون در همان آسایشگاه بستری است. در خلال فیلم متوجه خواهید شد که به وی تجاوز کرده‌اند، و در همان حین، متجاوز را می کشد و دچار جنون می شود؛ سپس

آن‌ها وارد شده و اکنون در دل کوه و برف و سرما در میانه کارزار جنگی ناخواسته تحت هر لوای عنوانی سرگردانند چنین روایتی زمانی موفق خواهد بود که فیلمساز بتواند بستر روایتش را درست دراماتیزه کند و شخصیت پردازی‌هایش در دل اثر درست بنشینند و مخاطب با آن‌ها همذات پنداری کند.

کارگردان چه می گوید؟

بهروز نورانی پور، کارگردان درباره فیلمش چنین می گوید: «دایان» روایت فردای جنگی است که بخشی از آن‌ها همیشه از ناحیه تیر و تفنگ و شلیک می‌بینیم، اما ما بیشتر به غیر نظامیان درگیر شلیک می‌پردازیم، در حالی که حتی یک گلوله در این فیلم شلیک نمی‌شود، اما تأثیر آن را می‌بینیم. این فیلم مستند داستانی روایتگر فردای جنگ است؛ روایتگر افرادی که در یک روستا زندگی و برای فردای بهتر تلاش می‌کنند. «دایان» بخشی از دغدغه مستندسازی من بود که قصد دارم آن‌را در سینمای حرفه‌ای پیگیری کنم. من این دغدغه را ادای دینی به انسان‌هایی می‌بینم که شرافتمندانه برای زندگی بهتر تلاش می‌کنند و قربانی می‌دهند.» چرا با این که جنگ درباره داعش است و حتی دختر (روزان) این پدر مدتی اسیر داعش می‌شود اما تماشاگر هرگز با افراد داعشی مواجه نمی‌شود. اگر یک سوی جنگ، جنگ‌افروز است، چرا در «دایان» از این جنگ‌افروز خبری نیست؟ نورانی پور در باره غیاب داعش در فیلمش این‌گونه توضیح می‌دهد: «لژیومی ندارد داعش را در فیلم ببینید، بلکه سایه داعش بر کل فیلم فائق شده است. قرار نیست همه گفت‌وگوی مارو در رو با داعش باشد؛ بلکه سایه تفکر داعش بر این فیلم حکم فرماست. پدر (سیبان) بر سر یک تصمیم قرار می‌گیرد داین آدم خیلی باخودش کنار می‌رود تا بچه‌ها راه‌مسلم بیرون دوره‌هایی از جنگ به‌من نشان داده است که آدم‌ها در مقطعی از زندگی تصمیم می‌گیرند و سیبان پدر ۲۵ سال قبل هم تصمیم گرفته است. او در حال نجات دادن یک زندگی قربانی شده است. سیبان بچه‌های خود را نمی‌فروشد بلکه برای نجات بچه‌های خود فکر می‌کند باید کاری انجام دهد. را بفروشد و بچه‌ها همان باشند. سیبان تلخی و آوارگی جنگ را سال‌ها چشیده

این روزها، کمتر هنرمندی در پی ستایش جنگ است. هنرمند امروز در پس نگاه آدمیانی که درگیر جنگ شده‌اند و از دست داده‌اند، ایستاده و از این زوایا به جنگ نگاه می‌کند

و قصد نجات خانواده خود را دارد.» به در جنگ معمولاً اتفاقاتی می‌افتد که گاه هرگز نمی‌توانیم تصویری از آن‌ها داشته باشیم. برای همین است که هنر قدم پیش می‌گذارد تا آن‌چه را ما هرگز احساس و تصور نکردیم، به ما بچشد. در مواجهه با فیلمی که قرار است داستانی از جنگ بگوید باید با فرهنگ و پیامدهای جنگ پیش برویم؛ پدری که با جنگ و دندان بچه‌های خود را نجات می‌دهد، نوع نگاه و درگیری‌های ذهنی و عاطفی او می‌توانست این امید را در ما هم شعله‌ور کند اگر که شخصیت‌ها و روابطشان درست در جای خود نشسته بودند و چنین تک‌تک و جدا از هم روایت نمی‌شدند.

یک گام لرزان و امید به آینده

«دایان» می‌توانست فیلمی باشد که تلاش می‌کند نگاهی دیگر از زوایای دیگر به جنگ داشته باشد. آن چنان که مدتی است چنین نگاه‌هایی در میان اغلب هنرمندان در حال شکل گرفتن است. این روزها، کمتر هنرمندی در پی ستایش جنگ است. هنرمند امروز در پس نگاه آدمیانی که درگیر جنگ شده‌اند و از دست رفته‌اند و از دست داده‌اند، ایستاده و از این زوایا به جنگ نگاه می‌کند.

«دایان» هم در چنین تلاشی دست و پا می‌زند. و می‌خواهد روایتگر مردی باشد که اسب ندارد، که تفنگ ندارد، که خانهای از خود ندارد. دوی سرزمین است. «حالا پاییزان خرامان، خرامان از راه می‌رسد. تا تو هم خرامان خرامان به نزدیکه بیایی. ماتورابه زم‌هل هوایی‌ها خواهیم برد، تا باران بیارد و اندوه تو را با خود ببرد نه اندوهت زیباست. باران و برف بر چشمان زیبایت خواهد بارید. تو نغمه‌خوان خواهی خواند:

پس کجاست سرزمین من، کجاست قبیله لیلی..»

بر محوریت اختلال روانی جنون که یک وضعیت روانی غیرطبیعی است، متمرکز است، می‌توان گفت افراد در این حالت به نوعی ارتباط خویش را با واقعیت از دست می‌دهند و دچار توهم می‌شوند؛ بطوریکه در برخی سکانس‌های فیلم مشاهده می‌شود که دلارام توهم مادری و فرزند دختر را داشت. در واقع افرادی که دچار جنون آنی می‌شوند، از دنیای واقعیت فاصله گرفته و وارد دنیای توهم و هذیان می‌شوند.

از منظر روانشناسی می‌توان گفت دو علامت اصلی «توهم» و «هذیان» برای تشخیص‌گذاری این اختلال روانی کفایت می‌کند. البته نشانه‌های دیگری همچون فقدان احساس یا واکنش عاطفی نامتناسب، اختلال در عملکرد در محیط کاری یا موقعیت‌های اجتماعی و فقدان بینش و اختلال در قضاوت از فاکتورهای مهم دیگری محسوب می‌شوند که روانشناسان و روانپزشکان برای تشخیص این اختلال از آنها نیز بهره می‌برند.

با توجه به علت و عامل ایجاد کننده جنون، درمان نیز متفاوت است. گاهی حتی لازم است فرد در بیمارستان‌های اعصاب و روان بستری شود تا با گذراندن دوره‌های دارو درمانی و روان‌درمانی به تدریج نشانگان این اختلال کاهش یابد و تغییرات مثبت در رفتار و شناخت فرد ایجاد شود.

چاپ: کار و کارگر ۶۶۸۱۷۳۱۷
نشانی تحریریه: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه نرسیده به روانمهر، پلاک ۱۳۲
تلفن تحریریه: ۰۲۱)۶۶۹۵۶۶۰۰
toseirani.ir

پرده نقره‌ای

برای نخستین بار:

«صد سال تنهایی» به سریال تلویزیونی تبدیل می‌شود



شبکه نتفلیکس با خرید امتیاز اقتباس از رمان «صد سال تنهایی» اثر مشهور گابریل گارسیا مارکز قصد دارد یک سریال تلویزیونی بر اساس این شاهکار ادبی تولید کند. این سریال نخستین اقتباس تصویری از رمان مارکز خواهد بود.

به گزارش ورایتی، این سریال به زبان اسپانیایی خواهد بود. «صد سال تنهایی» نخستین بار در سال ۱۹۶۷ منتشر شد و تا به حال ۵۰ میلیون نسخه از آن در سراسر جهان به فروش رفته و به ۴۶ زبان ترجمه شده است. رودریگو گارسیا پسر گابریل گارسیا مارکز و گونزالز گارسیا بارکا تهیه‌کنندگان اجرایی سریال نتفلیکس خواهند بود و بیشتر صحنه‌ها در کلمبیا فیلمبرداری خواهد شد. نتفلیکس جزئیات بیشتری درباره سریال «صد سال تنهایی» منتشر کرده است.

رودریگو گارسیا با انتشار بیانیه‌ای در این زمینه اعلام کرد: «پدر ما به مدت چند دهه حاضر نشد حق ساخت فیلم بر اساس «صد سال تنهایی» را واگذار کند چون اعتقاد داشت با محدودیت زمانی یک فیلم سینمایی نمی‌تواند ساخته شود و تولید آن به زبانی جز اسپانیایی عادلانه نیست.»

او در ادامه با اشاره به «عصر طلایی سریال‌ها» و «کیفیت سینمایی محتوای» این آثار گفته که این بهترین زمان برای اقتباس است و مخاطبان جهانی نتفلیکس برای سریالی بر اساس این رمان مناسب است.

گابریل گارسیا مارکز پنج سال پیش در ۸۷ سالگی درگذشت.

عضو کانون فیلمنامه‌نویسان سینمای ایران: خانه سینما نهادی ناتوان با عملکردهای عجیب است



عضو کانون فیلمنامه‌نویسان سینمای ایران در پی اجبار هیأت مدیره خانه سینما برای ثبت صنف سینمایی وزارت کار با انتقاد شدیدی نسبت به این اتفاق گفت: خانه سینما نهادی الکن، ناتوان و همراه با عملکردهای عجیب شده است، مسئولان، خانه سینما را نهادی کج و کوله کرده‌اند و هیچ حساب و کتاب درستی در عملکردهایشان دیده نمی‌شود.

پیمان عباسی افزود: سینما بسیار بی‌رحم است؛ متأسفانه مدت‌ها است بسیاری از فیلمسازان نامدار و بزرگ این کشور که آثار درخشانی از خود به یادگار گذاشته‌اند امکان حضور و فعالیت ندارند و در صنف دیگر نیز وضعیت به همین صورت است. آن قدر اوضاع ما بد است که از کمک هر نهادی برای بهبود وضعیت زندگی اهالی سینما استقبال می‌کنیم حتی اگر آن نهاد کمترین امداد باشد با طیب خاطر به استقبالش می‌رویم اما اجازه نمی‌دهیم آزادی عمل صنف را با انجام کارهای غلط ما بگیرند.

این سینماگر تأکید کرد: ما این روزها حق بیمه‌مان را خودمان می‌دهیم، بیمه تکمیلی با رقمی بالاتر از صنف غیر سینمایی در اختیار ما گذاشته می‌شود ما بیشترین پول را برای گرفتن کمترین امکانات می‌دهیم، آیا این معنای واقعی صنف و کار صنفی است؟ خانه سینما واقعاً چه کاری انجام می‌دهد؟ ما نباید پول بیمه‌مان را که روزگاری قرار بود خانه سینما پرداخت کند از جیب بدهیم! آقایان بهتر است به فکر این وضعیت محیرالعقول و عجیب باشند که در هیچ جای دنیا نمونه آن مشاهده نمی‌شود.